

ترجمہ و شرح

سِفِّینِ النِّجَاةِ

علامہ ملا محسن فیض کاشانی

www.ketab.ir
مترجم و شارح
علامہ شیخ محمد رضا درویدیان تفرشی

به کوشش

سید علی طباطبائی

سید محمد ناصر طباطبائی

سرشناسه: درویدیان تفرشی، محمد رضا، ۱۲۴۶ - ۱۳۰۶. عنوان قرارداد: سفینه النجاة. فارسی. شرح • عنوان و نام پدید آور: ترجمه و شرح سفینه النجاة علامه ملا محسن فیض کاشانی / مترجم و شارح محمد رضا درویدیان تفرشی؛ تصحیح و تحقیق سید علی طباطبائی، سید محمد ناصر طباطبائی. • مشخصات نشر: قم: انتشارات علمیه قم، ۱۴۰۰. • مشخصات ظاهری: ۲۷۵ ص: ۱۴/۵=۲۱/۵ س.م. • شابک: ۹۶۷۷۵-۱-۱-۹۶۷۷۵-۶۰۰-۹۷۸ • وضعیت فهرست نویسی: فیبا • یادداشت: کتاب حاضر ترجمه و شرح کتاب «سفینه النجاة» تألیف فیض کاشانی است. • یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۶۹] - ۲۷۵؛ همچنین به صورت زیر نویس. • موضوع: Imamite Shiah* • مؤلف: محمد بن شاه مرتضی، ۱۰۰۶ - ۱۰۹۱ ق. • سفینه النجاة -- نقد و تفسیر • موضوع: شیعه امامیه -- عقاید • موضوع: Imamite Shiah* • Doctrines -- • موضوع: شیعه امامیه -- دفاعیه • موضوع: Imamite Shiah* -- Apologetic works • موضوع: شیعه امامیه -- رده ها • موضوع: Controversial literature • Imamite Shiah* • موضوع: امامت -- متون قدیمی تا قرن ۱۲ • موضوع: Early works to 20th century Imamate • شناسه افزوده: طباطبائی، سید علی، ۱۳۳۸-، مصحح • شناسه افزوده: طباطبائی، سید محمد ناصر، ۱۳۷۵-، مصحح • شناسه افزوده: محمد بن شاه مرتضی، ۱۰۰۶ - ۱۰۹۱ ق. • سفینه النجاة. شرح • رده بندی کنگره: BP۲۱۱ • رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۱۷۲ • شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۸۳۹۷۶



علامه ملا محسن فیض کاشانی

مترجم و شارح: علامه شیخ محمد رضا درویدیان تفرشی
تصحیح و تحقیق: سید علی طباطبائی
سید محمد ناصر طباطبائی

چاپخانه: علمیه

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۷۷۵-۱-۱



انتشارات علمیه
مرکز نشر گفتمان کتاب و عترت
www.nosus.ir

فهرست

بیش گفتار / ۹

مقدمه / ۱۷

فصل اول / ۲۱

اشاره است به منحصر بودن ادله شرعی در نزد شیعه امامیه در قرآن و حدیث و باطل بودن
استناد به اتفاق آراء که تعبیر از آن به اجماع می‌کنند

فصل دوم / ۲۵

اشاره است به سبب حدوث اجتهاد و عمل به اجماع در میان طایفه امامیه و شبهه‌های ایشان در آن

فصل سوم / ۳۹

اشاره است به جوانبهای شبهه‌های قائلین به اجتهاد و اجماع از طایفه امامیه

فصل چهارم / ۵۹

اشاره است به حقیقت استبعاد مخالفت مشهور و به دفع توهم دور در عمل به مأثور

فصل پنجم / ۷۵

نقل کلام اعلام است به جهت تحقیق مرام یعنی توضیح و بیان خبر متواتر و واحد و حکم آنها

فصل ششم / ۹۳

در ازالة شبهه ایست در این مقام که گاهی می گذرد از وهم ها

فصل هفتم / ۱۱۳

ذکر بعض آیات و اخباریست که دلالت می کنند بر انحصار ادله شرعیه در شنیدن از معصوم علیه السلام

فصل هشتم / ۱۶۷

در ذکر جمله از آیات و اخباریست که دلالت کننده اند بر اثبات متشابه و بیان حکم آن

فصل نهم / ۲۰۵

در ذکر جمله از آیات و اخباری که وارد شده است در ذم اجتهاد و متابعت آراء و منع از آنها

فصل دهم / ۲۳۵

در نقل کلام بعض بزرگان از علماء شیعه در ذم اجتهاد و پیروی کردن رأی ها

فصل یازدهم / ۲۴۳

در نقل کلام صاحب کتاب اخوان الصفا در تزییف اجتهاد و متابعت رأی ها

فصل دوازدهم / ۲۴۹

اشاره به بعض آنچه مرتب می شود بر اجتهاد و متابعت آراء از مفاصد

خاتمه / ۲۶۳

ایضاح / ۲۶۶

کتابنامه / ۲۶۹

پیش گفتار

گذری کوتاه بر زندگانی مؤلف

گوهر پاک بیاید که شود قابل فیض
ور نه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود^۱

محمّد فرزند شاه مرتضی ملقب به محسن و متخلص به فیض از دانشوران بزرگ عصر صفوی به ۱۴ صفر سال ۱۰۰۶ ه.ق در خاندان علم و تقوا دیده به جهان گشود. فقه و حدیث را از علامه سید تاجد سجرائی فراگرفت و به تحصیل حکمت متعالیه نزد فیلسوف شهیر ملا صدرا پرداخت. پس از چندی دختر صدرای شیرازی را به ازدواج خویش درآورد و از سوی او به فیض متخلص گردید.

در عنفوان جوانی چون از تفقه در دین و تحصیل در اعتقادات و کیفیت عبادات آسود و از تقلید غیر معصوم بی‌نیاز گردید، به قصد کمال نفس به فراگیری معرفت اسرار دین و علوم راسخین پرداخت، بنا بر این چندی در مطالعه‌ی مجادلات متکلمان خوض نمود و چندی طریق مکالمات متفلسفان را به تعلّم و تفهّم پیمود و یک چند، بلندپروازی‌های متصوّفه را دید و چندی در یاوه‌سرایی‌های اصولیه به جست‌وجو پرداخت تا آنکه گاهی در تلخیص سخنان آنان کتب و رسائلی نگاشت، اما از آنجا که دل در گرو کتاب و عترت

داشت، از سخنان حیرت‌افزای طوایف اربع ملول گردید و خویش را مقلد محض قرآن و حدیث نامید و به آستان بوسی درگاه اهل بیت عصمت علیهم‌السلام آرام گرفت.^۱

آن‌ها که خوانده‌ام همه از یاد من برفت
 الا حدیث دوست که تکرار می‌کنم^۲

جایگاه رفیع علمی، نبوغ بی‌مانند و کثرت تألیفات فیض، نام او را به عنوان شخصیتی یگانه و تأثیرگذار در تاریخ تشیع ماندگار ساخته و دانشمندان بسیاری وی را به دانش و فضل و کمال ستوده و یکی از نوابغ روزگار دانسته‌اند.

سرانجام روح پرخروش فیض کاشان پس از سالیانی تلاش در راستای ترویج و پاسداشت مکتب کتاب و عترت به ۲۲ ربیع‌الثانی سال ۱۰۹۱ هـ.ق در جوار حق آرامید.

از محدث کاشانی، ده‌ها کتاب و رساله‌ی ارزشمند در علوم گوناگون به یادگار مانده که نشان از دانش بسیار و فراگیر وی دارد. از جمله‌ی این کتب می‌توان به «الوافی» و «نوادرا الاخبار» در حدیث، «الاصافی» در تفسیر قرآن، «محنة البیضاء» و «الحقایق» در اخلاق، «معتمصم الشیعة» و «مفاتیح الشرایع» در فقه و «الاصول الاصلیة»، «سفينة النجاة» و «الحق المبین» در علم اصول اشاره کرد.

گذری کوتاه بر زندگانی مترجم

رضای نارضا از خود اگر شد از بصر ناقص

ولی صد شکر کو با چشم دل حق را بصیر آمد^۳

عارف بینا و محدث پارسا، علامه شیخ محمدرضا درودیان رحمته‌الله به سال ۱۲۸۴ هـ.ق

۱. ر.ک: مجموعه رسائل مولی محسن فیض کاشانی، ج ۱، رسالة الانصاف، صص ۹، ۱۰، ۲۳ و ۲۴.

۲. کلیات سعدی، ص ۷۹۸.

۳. درر الاشعار، ص ۷۵.

در روستای نقوسان تفرش دیده به جهان گشود. وی در سن ۱۸ ماهگی دچار بیماری آبله شد و هر دو چشم خود را از دست داد، اما با هوش و استعداد شگفتی که خداوند به او داده بود توانست با آموزش پدرش، آخوند ملا علی‌اکبر، که در آن روستا به تدریس کودکان می‌پرداخت، طی سه تا چهار سال همه‌ی آن دروس را فراگرفته و هم‌چنین قرآن را با ترجمه‌ی آن حفظ کند.

علاقه‌ی بسیار محمدرضا به یادگیری علوم عربی، فقه و اصول او را بر آن داشت تا به هر صورتی پدر خویش را راضی نماید تا وی را به قصبه‌ی قم که در گذشته مرکز شهرستان تفرش بود بفرستد تا از درس روحانیون آنجا بهره‌گیرد. وی پس از دو سال اقامت و تعلم در قم، به روستای خویش بازگشت و پس از مدتی با یکی از همسالان خود به نام شیخ اسدالله نقوسانی که مقدمات را در همان زمان نزد درویدیان فراگرفته بود، برای تحصیل فقه و اصول راهی شهر قم شد.

پس از تکمیل مقدمات ادبی، سطح فقه و اصول و سایر علوم رایج در قم، به حوزه‌ی علمیه‌ی اراک مهاجرت کرد و پس از بهره‌گیری از مراجع بزرگ آن سامان و دریافت اجازه در کلیه‌ی امور از سوی ایشان، به عتبات عالیات مشرف گردید. او که در سنّ سی و دو سالگی، فقیهی کامل گردیده بود، به زادگاه خویش بازگشت و به ترویج و تدریس معالم دین، اقامه‌ی حدود و انجام عقود و ایقاعات قضایی حوزه‌ی تفرش، رودبار و فراهان پرداخت. پس از گذشت چند سال، دیگر بار توفیق تشرف به عتبات عالیات را پیدا نمود و در حدود دو سال در آن دیار مقیم و مستفیض گردید، سپس به قریه‌ی نقوسان مراجعت کرد و نیمه‌ی پایانی عمر را به جز چند سفر مختصر به تهران و قم، در آنجا گذراند.

محدث تفرشی، دوز پیش از وفات، از مرگ خویش خبر داده و در حضور همگان اعلام کرد که این آخرین منبر من است و دو شب دیگر از میان شما می‌روم. سرانجام چنان‌که گفته بود، در شب ۲۷ رمضان ۱۳۴۷ هـ. ق چشم از جهان فروبست و در بقعه‌ی

امامزاده عبدالله نقوسان به خاک سپرده شد.

از آن یگانه‌ی عصر تألیفات چندی به یادگار مانده است:

رساله‌ی مستقلی در فرائض و احکام

ترجمه و شرح سفینه النجاة فیض کاشانی (مطبوع)

حاشیه بر نجات العباد صاحب جواهر

رساله‌ی عقلیه (مطبوع)

نحو مختصری به زبان فارسی (مطبوع)

نحو منظوم فارسی

دیوان درویش‌الشعار (مطبوع)

کوتاه سخنی پیرامون کتاب حاضر

هر نکته از برای نجات سفینه‌ایست غافل مباش از سخن آبدار فیض^۱

«سفینه النجاة» را می‌توان تبلور اوج اندیشه‌های فیض کاشانی و صداجتهادی فیض کاشانی

دانست. کتابی با عبارات نیکو و اشارات پسندیده که به گفته‌ی نگارنده، در پژوهش آن است که

سرچشمه‌ی احکام شرعی، جز محکّمات کتاب و سنت نیست و اجتهاد و اجماع رابع در آن،

بدعتی در دین است و اختراعی از مخالفان. از دیدگاه فیض، فصول دوازده‌گانه‌ی این کتاب،

چون طبقات کشتی نجاتی است که غرقگان امواج اختلافات را درمی‌یابد و گرفتاران تندباد

رأی‌های مردمان را از تباہی می‌رهاند. او آگاهانه می‌کوشد تا برخلاف مشهورات زمانه‌ی

خویش به احیای روش قدمای شیعه همانند کلینی و صدوق پرداخته و همگان را به پیروی از

۱. بیتی است از قصیده‌ی علم‌الهدی فرزند فیض که در آن به سی و یک عنوان از آثار پدر خویش اشاره

می‌کند. ر.ک: فهرست‌های خودنوشت فیض کاشانی، صص ۴۳-۳۸.

مبانی مکتب فقهی ایشان فراخواند. چنان‌که پیداست دفاع جانانه‌ی فیض از مشرب اخباری و انتقادات بی‌پروای او نسبت به مجتهدان، به مذاق پاره‌ای از محققین خوش نیامده و تعبیرات وی را در حق اهل اجتهاد، خروج از حد اعتدال دانسته‌اند. از آن جمله، سبط شهید ثانی شیخ علی عاملی است که فیض را مقلد ملا امین استرآبادی خوانده و او را به خاطر تعابیر تند این کتاب درباره بزرگانی چون شیخ مفید، سید مرتضی و علامه حلی، به سختی نکوهیده و آشکارا دهان به تشنیع وی گشوده است.^۱

در همین باره علامه شیخ یوسف بحرانی نیز می‌گوید: «محمد بن مرتضی مدعو به محسن، فاضلی است محدث و اخباری سرسخت که به مجتهدان طعنه‌های بسیاری وارد ساخته، به ویژه در رساله‌ی «سفینة النجاة» که به جمعی از علما نسبت فسق بلکه کفر داده، مانند ایراد آیه‌ی «یا بنی اربک معنا»^۲ که تفریط و غلو محض است»^۳. هم‌چنین استاد میرجلال‌الدین محدث ارموی دلیل عدم طبع مجدد «سفینة النجاة» را خروج فیض از حد حسن تعبیر در حق بعضی از علما ذکر کرده است.^۴

این در حالی است که محدث کاشانی در رساله‌ی «الحق المبین» خویش که یک دهه پس از این کتاب نگاشته شده، علمای متأخر را در تألیف کتب اصولی و اجتهاداتشان معذور^۵ و گفتار استرآبادی را در نکوهش گروهی از فقهای شیعه و نسبت دادن آن‌ها به تباهی و فسادگری، زیاده‌روی دانسته است.^۶

۱. ر.ک: الدر المثور، ج ۲، صص ۸۶۴-۸۶۱.

۲. ر.ک: سفینة النجاة طبع قدیم، خانمه کتاب، ص ۱۴۲.

۳. ر.ک: لؤلؤة البحرين، ص ۱۱۶.

۴. ر.ک: الاصول الاصلیة، مقدمه‌ی مصحح.

۵. ر.ک: الحق المبین، ص ۴.

۶. ر.ک: الحق المبین، ص ۱۲.